

نگرش دانشجویان و اساتید دانشگاه شهید بهشتی نسبت به مجازات اعدام

احمد عبداللہی*

مقدمه: یکی از موضوعات مهمی که در دهه‌های اخیر در بسیاری از کشورهای صنعتی بحث انگیز بوده و دولتمردان را وادار به تجدید نظر در این زمینه کرده است، قانون مجازات اعدام است. کشورهای اروپایی با ملغی کردن این قانون، هیچ مجرم و قاتلی را دیگر اعدام نمی‌کنند و اعمال آن را نقض حقوق بشر می‌دانند ولی هنوز هم کشورها و دولت‌هایی هستند که به دلایل سیاسی، مذهبی و غیره هنوز این مجازات را در قوانین خود حفظ کرده‌اند. دو رویکرد کلی نسبت به این مجازات وجود دارد: عده‌ای معتقدند که مجازات اعدام عاملی بازدارنده از جرم و جنایت است و گروه دیگر چنین مجازاتی را در کاهش ارتکاب جرم بی‌تأثیر می‌دانند. هدف این تحقیق آگاهی از نگرش افراد تحصیل کرده و روشنفکر دانشگاهی در خصوص اعمال مجازات اعدام و نوع جرایم مستوجب آن است.

روش: برای این منظور ۳۴۲ دانشجو و ۴۳ استاد دانشگاه شهید بهشتی از گروه‌های تحصیلی مختلف با روش نمونه‌گیری در دسترس و متناسب با حجم انتخاب و با استفاده از پرسش‌نامه محقق ساخته ۳۸ سئوالی (مورد تأیید ۳ تن از اساتید ذی ربط و با اعتبار و روابی مورد قبول و آلفای کرونباخ ۰/۸۲) مورد مطالعه قرار گرفتند.

یافته‌ها: نتایج در دو گروه اساتید و دانشجویان نشان داد که هر دو گروه با حذف کلی مجازات اعدام مخالفند و بیش‌تر نمونه‌های مطالعه با این مجازات موافقت (دانشجویان ۶۹/۶٪ و اساتید ۴۸/۸٪)، همچنین تفاوت این نگرش در دو گروه معنی‌دار است (آلفا = ۰/۰۵). نتایج در خصوص ارتباط بین جنس و نگرش دانشجویان نشان داد که دختران بیش‌تر از پسران خواهان مجازات اعدام بوده و این تفاوت از نظر آماری معنی‌دار است (آلفا = ۰/۰۱). اما ارتباط بین جنس و نگرش در گروه اساتید معنی‌دار نبود.

بحث: از نتایج این مطالعه چنین استنباط می‌شود که معمولاً گروه‌های آسیب‌پذیر بیش‌تر خواهان حذف افرادی هستند که حقوق اجتماعی را نادیده گرفته و با ظلم و تعدی به حقوق افراد ضعیف تجاوز می‌کنند. یافته‌های این تحقیق با نتایج مطالعه توماس کیل و ویتو جنرو (۱۹۹۸) و مارلا ساندریز و ادموند مک گارل (۱۹۹۵) هماهنگ بود.

کلید واژه‌ها: استاد، دانشجو، مجازات اعدام، نگرش.

تاریخ دریافت: ۸۸/۲/۱۷ **تاریخ پذیرش:** ۹۰/۱/۵

* دکتر جامعه‌شناس، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی <ahmad1329@uswr.ac.ir>

مقدمه

یکی از موضوعات مهمی که در دهه‌های اخیر در بسیاری از کشورهای صنعتی بحث انگیز بوده و دولتمردان را وادار به تجدیدنظر در آن زمینه کرده است، قانون مجازات اعدام^۱ است. کشورهای اروپایی با ملغی کردن این قانون، هیچ جانی و قاتلی را دیگر اعدام نمی‌کنند. در آمریکا به دلیل خودمختاری قوانین ایالتی هنوز در تعدادی از ایالات، قانون مجازات اعدام اعمال می‌شود، چون خواست اکثریت مردم این ایالات اجرای این قانون است. یکی از دلایلی که مجازات اعدام را بسیاری از شهروندان و دولتمردان در این کشورها تأیید و اعمال می‌کنند، این است که به اعتقاد آن‌ها این گونه مجازات‌ها برای جنایتکاران سبب می‌شود که میزان جرم و جنایت در جامعه کاهش یابد و برای مجرمین بالقوه، عامل بازدارنده از جرم و جنایت باشد. اما آن چه جوامع اروپایی را در جهت لغو کامل این قانون هدایت کرد این نتیجه‌گیری بود که چنین مجازاتی در کاهش ارتکاب جرم بی‌تأثیر بوده و در عوض پیامدهای منفی آن برای خانواده فرد معدوم و جامعه بیش‌تر خواهد بود.

علی‌رغم مجادلات و مباحث بسیاری که در خصوص الغاء یا ابقاء مجازات اعدام از حدود دو‌یست سال پیش آغاز گردیده است و هر کدام از موافقان و مخالفان در رد یا تأیید مجازات اعدام دلایل و براهینی مطرح کرده‌اند، باید این واقعیت را پذیرفت که دلایل هیچ کدام از دو طرف قاطع نیست، فقط می‌توان گفت که اکثر دلایل مخالفان اعدام، آرمانی و غیر منطبق با واقعیات جامعه بوده و مطابق اوضاع و احوالی است که فقط در مدینه فاضله دست یافتنی است. هنوز به طور قاطع نمی‌توان بر این اعتقاد بود که مجازات مرگ، کیفری غیرمفید، عادلانه و یا مؤثر است. اما راه حلی که در این زمینه مفید و شایسته به نظر می‌رسد، این است که برای حفظ حق حیات اشخاص و رعایت ارزش ذاتی آن‌ها که در سال‌های اخیر بسیار مورد توجه بوده است، حداقل در برخی از جرایم نظرات مخالفان را

1- capital punishment

بر موافقان ترجیح داده و تا حد امکان از موارد اعمال آن در قوانین کاسته و اجرای آن محدود به برخی از جرایم بسیار شدید و زیان بار شود، مخصوصاً با توجه به این که در دنیای معاصر دیگر هدف از مجازات سزادهی و مکافات نبوده و هدف اصلاح و تربیت مجرم و اعاده وی به زندگی عادی است (جعفری، ۱۳۸۱).

به هر حال آنچه واضح است در خصوص مجازات اعدام، نگرش‌ها و دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد و هر یک از دیدگاه‌ها نیز دلایل خود را بیان می‌کنند. در این میان شاید دیدگاه افراد دانشگاهی و تحصیل کرده از اهمیت بیش‌تری برخوردار باشد. بر این مبنا هدف مطالعه حاضر آگاهی یافتن از این موضوع است که اعمال مجازات اعدام در کشور ما تا چه حد با دیدگاه و نگرش اقشار تحصیل کرده و روشنفکر جامعه هم خوانی دارد و اصولاً از نظر این افراد چه جرایمی مستوجب مجازات اعدام است.

چارچوب نظری

در برخی از کشورها مانند برزیل، کانادا، قبرس، فیجی، اسرائیل و سرزمین‌های اشغالی، نپال، پاراگوئه و انگلستان مجازات اعدام برای قتل عمد لغو شده است. همچنین کشور روسیه با امضای پروتکل کنوانسیون سال ۱۹۹۸ اروپایی حقوق بشر متعهد شد که مجازات اعدام را به طور موقت لغو کند و بعد از سه سال آن را به طور کامل لغو سازد (مقتدر نژاد، ۱۳۵۷). کشور بلژیک با لغو حکم اعدام در سال ۱۹۹۶ آخرین کشور اروپای غربی بود که به جمع کشورهای فوق پیوست. برخی از کشورها نظیر ژاپن و فیلیپین نیز گرچه حکم اعدام را رسماً لغو نکرده‌اند، اما به ندرت آن را اجرایی می‌کنند (سیمونز، ۱۳۷۷).

در مورد ایران، گزارش‌های متفاوتی از منابع مختلف داده می‌شود. سازمان عفو بین‌الملل در تاریخ ۸۲/۱۱/۱ اعلام کرد که از ابتدای سال ۲۰۰۲ تاکنون ۱۱۳ نفر در ایران اعدام شده‌اند. این در حالی است که گزارش وزارت امور خارجه انگلیس تعداد اعدام سال ۲۰۰۲ ایران را ۱۱۱ نفر گزارش کرد. اما انجمن ایتالیایی «قابیل را اعدام نکنید» - که در

جهت لغو مجازات اعدام فعالیت می‌کند- تعداد اعدام سال ۲۰۰۲ ایران را ۳۱۶ مورد عنوان کرد که بعد از چین در رتبه دوم قرار دارد و پس از ایران نیز کشور عراق با ۲۱۴ مورد و امریکا با ۷۱ مورد قرار دارند. شایان ذکر است با این که در ۳۵ ایالت امریکا مجازات اعدام لغو شده است ولی هنوز در ۱۵ ایالت برای برخی جرایم مانند قتل عمد اعمال می‌شود(باقی، ۱۳۸۳).

در حقوق کیفری اسلام و به تبع آن حقوق ایران به دلیل تقسیم‌بندی جرایم و مجازات‌ها بر اساس سیستم شرعی به حدود، قصاص، دیات و تعزیرات، در این که مجازات اعدام فقط در برخی از جرایم مستوجب حد(محاربه، زناى محصنه، لواط و غیره) و قصاص قابلیت اعمال دارد، بحث و اختلاف نظری وجود ندارد اما در مورد تعزیرات و این که آیا اعدام در تعزیرات نیز اجرا گردد یا نه، بین فقها و نویسندگان اسلامی و حقوقدانان اختلاف عقیده وجود دارد(جعفری، ۱۳۸۱).

در رابطه با مجازات اعدام در دو قرن اخیر کتب و رساله‌های زیادی به وسیله اندیشمندان و صاحب نظران انتشار یافته است ولی در حقیقت از سال ۱۷۶۴ بود که مارکیز سزار بکاریا در رساله معروف خود «جرایم و مجازات‌ها» فصلی را به این امر اختصاص داد و عملاً بر علیه مجازات اعدام قیام کرد. در این رساله بکاریا مجازات اعدام را به طور کلی به چالش می‌کشد و اعلام می‌دارد که این مجازات باید حذف شود. بعد از انتشار این رساله موافقین و مخالفین اعدام در برابر هم قرار می‌گیرند. بعضی از دولت‌ها آن را به عنوان وسیله دفاع حفظ و برخی نیز عملاً و قانوناً آن را از لیست مجازات‌های خود حذف نمودند. گرچه مبارزات مربوط به مجازات اعدام تاکنون منتهی به لغو کامل آن از صفحات قانون گذاران جهان حتی در کشورهای کاملاً پیشرفته نگردید ولی با مختصر توجه به سیاست کیفری ملل و قوانین مجازات آنان، کاملاً روشن خواهد شد که مبارزه بر علیه مجازات اعدام نتایج ثمربخش و مفیدی برای بشریت داشته است(مقتدر نژاد، ۱۳۵۷).

جایگاه اعدام در جهان معاصر

از زمان‌های دور اعدام یکی از مجازات‌های اصلی حقوق جزا بوده و در بسیاری از موارد همراه با سایر مجازات‌ها اجرا می‌گشت. تا آن‌جا که در سال ۱۸۰۰ در کشور انگلستان برای مجازات ۲۰۰ جرم مختلف، حکم اعدام پیش بینی شده بود. با این حال به دنبال مخالفت افراد و گروه‌های مختلف با مجازات اعدام این تعداد در سال ۱۸۳۸ به پانزده و در سال ۱۸۶۳ به سه فقره کاهش یافت. در حال حاضر این مجازات در کشور انگلستان لغو شده است. در فرانسه نیز در حالی که پیش از انقلاب کبیر فرانسه، مجازات اعدام برای ۱۱۵ نوع جرم تعیین شده بود، این تعداد بعد از انقلاب کبیر فرانسه به ۳۳ نوع کاهش یافت.

اولین مباحث راجع به مخالفت با مجازات اعدام با فعالیت‌های جرج فاکس در سال ۱۶۵۱ در انگلستان با تشکیل «انجمن دوستان مخالف مجازات اعدام در امریکا» شروع شد. وی در رساله‌ای که در سال ۱۶۵۹ تحت عنوان «خطاب به پارلمان و کشورهای مشترک المنافع انگلستان» منتشر ساخت، اصلاحات مورد نظر خود را که یکی از آن‌ها لغو مجازات اعدام جز در مورد قتل عمد بود، پیشنهاد کرد. این پیشنهاد که در آن زمان بسیار جسورانه بود، پذیرفته نشد. لغو مجازات اعدام در اواخر قرن ۱۸ به موجب قانون مشهور «لئوپولد دوم» که در سال ۱۷۸۶ وضع شد، برای اولین بار به قوانین جزایی راه یافت. سپس در سال ۱۷۸۷ این اندیشه به موجب قانون جزایی «ژوزف دوم» به قانون اتریش نیز راه یافت، ولی مخالفت افکار عمومی با این اصلاحات چند سال بعد به استقرار مجدد مجازات اعدام منجر شد (صادقی، ۱۳۰: ۳۴-۳۵).

هرچند حرکت جدی در جهت لغو مجازات اعدام از قرن هجدهم آغاز شد و دولت‌های چندی این مجازات را در قرن نوزدهم لغو کردند لیکن این حرکت پس از جنگ جهانی دوم و تصویب اعلامیه‌های جهانی حقوق بشر شتاب بیشتری یافت. آمارها به خوبی این شتاب را نشان می‌دهند: در دهه ۱۹۴۸-۱۹۵۷ شش کشور مجازات اعدام را لغو کردند. تعداد کشورهای لغو کننده این مجازات در دهه ۱۹۶۷-۱۹۵۸ هشت، در دهه

۱۹۷۷-۱۹۶۸ پانزده، در دهه ۱۹۸۷-۱۹۷۸ نوزده و از ۱۹۸۸ تا ۱۹۶۶، ۳۷ کشور بود. در حال حاضر اکثر کشورها یعنی ۱۰۸ کشور مجازات اعدام را لغو و ۸۳ کشور هنوز آن را حفظ کرده‌اند.

طبق اطلاعات موجود، لغو مجازات اعدام در برخی از کشورها در یک مرحله و در بعضی دیگر در دو مرحله انجام شده است. به این ترتیب که در مرحله اول، مجازات اعدام برای جرایم عادی لغو و در مرحله دوم برای کلیه جرایم حتی جرایم جنگی یا جرایم ارتکاب یافته در شرایط خاص، لغو شده است. مرحله دوم معمولاً زمان زیادی به طول می‌انجامد. به طوری که مثلاً برای اتریش سیزده سال، دانمارک ۴۵ سال، فنلاند ۲۳ سال، هلند ۱۱۲ سال، نیوزیلند ۲۸ سال، نروژ ۷۴ سال، پرتغال ۱۱۰ سال و سوئد ۵۱ سال بطول انجامید (صادقی، ۱۳۸۰).

جایگاه اعدام در مکاتب جرم‌شناسی

در زمینه جرم، مجازات و چگونگی برخورد با مجرم، مکاتب مختلفی در غرب شکل گرفته است که هر کدام موضع و نگرش خاصی در این مورد دارند. از مهم‌ترین این مکاتب می‌توان به مکتب کلاسیک، مکتب عدالت مطلق، مکتب اثباتی و مکتب دفاع اجتماعی اشاره نمود.

۱- مکتب کلاسیک

این مکتب مجازات اعدام را تأیید می‌کند ولی در نهایت به دنبال تعدیل مجازات‌ها و جایگزین کردن مجازات زندان است. ژان ژاک روسو ضمن قبول مجازات برای مجرم اظهار می‌دارد که حق مجازات مجرم برای جامعه ناشی از قرارداد اجتماعی بین فرد و جامعه است، قراردادی که بر اساس آن، دولت با گرفتن امتیازات و آزادی‌های اشخاص، آنان را در مقابل حوادث و اتفاقات ناشی از اعمال مجرمانه دیگران محافظت می‌نماید یا در

جای دیگر بیان می‌دارد مجرم به خاطر نقض و تجاوز به حقوق اجتماع، بقای او با بقای جامعه وفق نمی‌یابد. لذا یکی از این دو باید حذف شود و چون مصلحت جامعه، فوق مصلحت مجرم است و او تعهد فوق را لغو کرده لذا جامعه حق دارد و باید او را از بین ببرد (معتضدی، ۱۳۸۳).

«سزار بکاریا» از دیگر متفکران این مکتب، اگرچه مجازات اعدام را چاره کار نمی‌داند، اما در نهایت استثناهایی برای این مجازات قرار داده است. به همین خاطر وی بردگی دائم را به عنوان جانشینی برای مجازات مرگ پیشنهاد می‌کند. از طرف دیگر او معتقد است که مجازات اعدام حق نیست بلکه ستیز ملی است علیه بزهکار، به دلیل آن که ملت نابودی او را ضروری و سودمند تشخیص می‌دهد. همان طور که اشاره شد وی در موارد خاصی مجازات مرگ را می‌پذیرد: ۱- تأثیر عمیق وجود تبه‌کار در دگرگونی شکل حکومت حاکم ۲- این که تنها عامل بازدارنده دیگر مجرمین بالقوه باشد.

۲- مکتب عدالت مطلق

مکتب عدالت مطلق با مجازات اعدام به صورت مطلق برخورد کرده و آن را در صورت لزوم اجتناب ناپذیر می‌داند. پایه گذار این مکتب امانوئل کانت است. او در این زمینه می‌گوید: کیفر قانونی هرگز نمی‌تواند صرفاً به عنوان وسیله‌ای به منظور رسیدن به یک نفع چه در جهت منافع بزهکار و چه در جهت منافع جامعه، تحمیل گردد. کیفر قانونی تنها به این لحاظ باید در مورد بزهکار اجرا گردد که وی مرتکب تقصیر شده است. کانت در جای دیگر اظهار می‌دارد که عدالت باید اجرا شود، چراکه قانون اخلاقی الزام آور و مافوقی وجود دارد که اقتضای آن این است که جنایت بی‌کیفر نماند (معتضدی، ۱۳۸۳).

۳- مکتب اثباتی (تحقیقی)

پایه گذاران این مکتب عبارتند از: لمبروزو، انریکو فری و گاروفالو. این صاحب نظران در سال ۱۸۸۰ این مکتب را تشکیل دادند و اندیشه‌های نوینی را در مقابل مکتب کلاسیک

ارائه دادند. در این مکتب، انسان موجودی تصور شده که آزادی ندارد و تحت تأثیر نیروهایی است که بر آنها کنترل ندارد. طرفداران این مکتب، با اینکه انسان را مجبور دانسته‌اند و افعالش را عکس العمل جبری ناشی از عوامل ژنتیکی، فیزیولوژیک، روانی، اقتصادی، اجتماعی و غیره می‌دانند، در عین حال در موارد خاصی برای رهایی جامعه (نه به سبب مسئولیت کیفری مجرم) کیفر مرگ را بر وی تحمیل می‌کنند. گاروفالو نیز معتقد است که مسئولیت کیفری مبتنی بر مسئولیت اخلاقی نیست بلکه بر حالت خطرناک فرد (استعداد جنایی یا خطرناکی) استوار است، لذا در این مکتب مسئولیت اخلاقی مجرم به مسئولیت اجتماعی بدل می‌گردد (معتضدی، ۱۳۸۳).

۴- مکتب دفاع اجتماعی

این مکتب مجازات اعدام را مورد انتقام شدید قرار می‌دهد و چنین مجازاتی را وحشیانه و غیر منطقی می‌داند. لذا این مکتب تنها مکتبی است که در هیچ شرایطی برای مجازات اعدام جایگاهی قائل نیست و استثنایی را نمی‌پذیرد. از نظر این مکتب دفاع اجتماعی هدفی جز بهبود جامعه از طریق اجتماعی کردن و تربیت و اصلاح بزهکاران ندارد. در نگاه این مکتب، شخص مجرم همچون بیماری است که باید این بیمار را درمان کرد، نه آن که مجازات‌ها و کیفرهایی روا دارد که وضع این بیمار بدتر گردد. هدف، دیگر مبارزه علیه فرد مجرم و خنثی کردن جرم او نیست بلکه جنبش دفاع اجتماعی در جست و جوی تأمین، حفاظت و دفاع از گروه از طریق حمایت از اعضای آن است و با توجه به موارد فوق به دنبال شناخت واقعی شخصیت مجرم از طریق تشکیل پرونده شخصیت است تا با شناخت شخصیت وی به دنبال بهبود او باشد (معتضدی، ۱۳۸۳). معتضدی در مقاله «جایگاه اعدام در مکاتب جرم‌شناسی» دسته‌بندی دیگری نیز از مکاتب امروزی در غرب دارد. طبق این دسته‌بندی سه نوع نظریه در زمینه مجازات اعدام در غرب وجود دارد که عبارتند از:

- ۱- **تئوری فایده‌گرا:** این تئوری، مجازات را صرفاً در مقابل با نتایجش توجیه می‌کند. مطابق این تئوری، مجازات به خودی خود مطلوب نیست، برعکس چون جدای از نتایجش فی نفسه باعث محرومیت مجرمین از آن چه برای آن‌ها ارزشمند است می‌شود، ناپسند است و تنها هنگامی مجاز شمرده می‌شود که این ضرر رساندن از اضرار بزرگ‌تری جلوگیری کند یا نتایج عالی‌تری به همراه داشته باشد.
- ۲- **تئوری سزادهی:** استدلال اصلی این تئوری این است که چون مجرم عملاً یک عمل اشتباه را مرتکب شده است، مستحق عقاب است، یعنی همان طور که ضرر رساندن به بی‌گناه ناپسند است، عقاب درباره‌ی خود گناهکار عدالت است.
- ۳- **سیستم بهداشت اجتماعی:** بر اساس این تئوری مجازات مرگ معنا و مفهومی ندارد و برای آن جایگاهی یافت نمی‌شود چرا که در این سیستم هدف درمان شخص و ارائه‌ی راهکارهای پیشگیرانه است و اعدام نمی‌تواند یک درمان یا راه حل پیشگیرانه باشد.

دیدگاه موافقان و مخالفان اعدام

الف- دلایل موافقان مجازات اعدام

- ۱- **اعدام و ارعاب (ایجاد ترس از ارتکاب جرم در مجرمین بالقوه):** موافقان مجازات اعدام یکی از اهداف این مجازات را، ایجاد ترس در مجرم و سایر مردم از ارتکاب جرم در آینده می‌دانند. به نظر آن‌ها، حیات عزیزترین دارایی شخص و بنابراین ترس از مرگ بالاترین ترس‌هاست. بدین ترتیب باید مجازات اعدام را در جهت ایجاد این رعب و هراس در دل مرتکبان بالقوه جرایم سنگین حفظ کرد. آن‌ها استدلال می‌کنند که به همین دلیل است که کم‌تر محکوم به اعدامی از تلاش برای تخفیف مجازات خود به حبس دائم خودداری و پیشنهاد تخفیف مجازات به حبس ابد را رد می‌کند. (صادقی، ۱۳۸۲).

۲- اعدام و تضمین اجرای عدالت: به عقیده موافقان اعدام، این مجازات در برخی از جرایم مثل قتل عمد - به ویژه اگر توام با شکنجه و آزار یا جرایم شنیع دیگری مثل تجاوز جنسی باشد - عادلانه‌ترین مجازات است، چرا که مجرم همان چیزی را از دست می‌دهد که قربانی خود را از آن محروم کرده است و در واقع کفاره گناه خود را می‌پردازد. (صادقی، ۱۳۸۰)

۳- اعدام و نمایش قبح جرم از دیدگاه جامعه: بدیهی است که یکی از اهداف مجازات‌ها تأثیر نمادین آن‌هاست به این معنی که چگونگی و میزان درجه قبح عمل مجرمانه را از نظر جامعه منعکس کرده و می‌تواند در دراز مدت بر قضاوت افراد جامعه در مورد هر جرم خاص اثر گذارد.

۴- اعدام و جلوگیری از تحمیل هزینه‌های گزاف زندان به مردم: به عقیده موافقان اعدام، حبس ابد سبب تحمیل هزینه‌های گزاف نگهداری مجرمان بر مردم می‌شود و به هیچ وجه قابل توجیه نبوده و در واقع نوعی کیفر دادن افراد بی‌گناه است برای جرمی که دیگران مرتکب شده‌اند.

۵- اعدام و جلوگیری از ارتکاب جرم توسط افرادی مثل محکومین به حبس دائم: به نظر موافقین اعدام، لغو این مجازات باعث می‌شود که اشخاصی چون محکومین به حبس دائم که به اصطلاح آب از سرشان گذشته است به راحتی مرتکب قتل زندانبانان و سایر هم بندی‌های خود شوند.

ب- دلایل و دیدگاه‌های مخالفان مجازات اعدام

۱- دلیل مذهبی - فلسفی: به عقیده مخالفان اعدام حیات هدیه‌ای از جانب خداوند مهربان به افراد بشر است و هیچ کس حتی دولت‌ها حق محروم کردن انسان از این موهبت الهی را ندارند. به عبارت دیگر بنا به نظر مخالفین اعدام، حیات مطلقاً مقدس است، دولت‌ها به انسان زندگی نبخشیده‌اند که حق بازپس‌گیری آن را داشته باشند. (صادقی، ۱۳۸۰)

- ۲- اعدام و امکان اشتباه در اجرا: به عقیده مخالفان اعدام، با توجه به این که بشر جایز الخطاست چه بسا در مراحل گوناگون جرم، تعقیب، محاکمه و مجازات مجرم، خطایی رخ داده و بی گناهی به اشتباه مجازات شود حال اگر این فرد بی گناه را اعدام کرده باشیم دیگر راهی برای جبران باقی نمی ماند.
- ۳- اعدام و اعمال تبعیض در اجرای آن: به نظر مخالفین اعدام این مجازات در اکثر کشورهایی که آن را اعمال می کنند بیش تر بر علیه فقرایی که امکان مالی برای استخدام وکلای مبرز ندارند یا اقلیت های نژادی که ذهنیت قضات، اعضای هیأت منصفه و یا سایر مأمورین مربوطه مخالف آن هاست، به کار می رود.
- ۴- اعدام و عدم توجه به امکان اصلاح جرم: مخالفین مجازات اعدام اظهار می دارند که هیچ فردی را نمی توان ذاتاً غیر قابل اصلاح دانست در حالی که با اعدام مجرم امکان اصلاح و بازگشت وی به جامعه از بین می رود و در واقع به جای حل مسئله صورت مسئله پاک می شود (همان)
- ۵- اعدام و عدم توجه به عوامل اجتماعی جرم: به نظر مخالفین اعدام با اجرای این مجازات دولت ها خود را از شر مجرم رها می سازند بدون این که نیازی به تلاش در جهت از بین بردن عوامل جرم را احساس نمایند.
- ۶- اثر سوء اعدام بر خانواده مجرم: مخالفین مجازات اعدام اظهار می دارند که کشتن مجرم آثار سوئی بر خانواده وی باقی گذاشته و شیرازه زندگی را از هم می پاشد، در حالی که خانواده مجرم خطایی نکرده اند که قابل سرزنش باشد.
- ۷- اعدام و قساوت در اجرای آن: به نظر مخالفین، بر این که گرفتن جان یک انسان به خودی خود عملی وحشیانه و یادگار دوران بربریت است، اجرای مجازات اعدام، باعث قساوت قلب مأمورین اجرای حکم و حتی مردم عادی شده و آنان را از خوبی انسانی دور می سازد و به نظر «سزار بکاریا» مجازات اعدام به دلیل درس خونخوارگی که به انسان ها می آموزد، مفید نیست. همچنین بی صبری در مشاهده جان دادن یک

انسان دیگر، نشان‌گر آن است که اعدام‌های علنی می‌تواند به تدریج روحیه رحم و شفقت را در کسانی که شاهد آن هستند از بین ببرد. نکته دیگری که مخالفین مجازات اعدام بر آن تأکید می‌کنند، آن است که محکوم معمولاً در اثنای اجرای مجازات اعدام درد و رنج بسیاری را تحمل می‌کند و با توجه به این که تنها هدف از اجرای اعدام گرفتن جان محکوم است، تحمیل این درد و رنج به محکوم به هیچ وجه قابل توجیه نبوده و عملی غیر انسانی است.

روش تحقیق

مطالعه حاضر یک پژوهش توصیفی - تحلیلی است و جامعه آماری آن دانشجویان و اساتید دانشگاه‌های شهید بهشتی و علوم پزشکی شهید بهشتی در سال ۸۵-۱۳۸۴ می‌باشد. در این مطالعه، نمونه‌گیری به روش در دسترس و متناسب با حجم انجام گرفت. برای محاسبه حجم نمونه لازم با حداکثر خطای ۰/۰۵ (با اطمینان ۰/۹۵) و با توجه به برآورد مقدار انحراف معیار ادغام شده معادل با ۰/۲۱ و دقتی معادل با ۰/۰۳ نمونه‌ای معادل با ۳۳۰ نفر مورد نیاز بود. با احتساب حداکثر ۱۰ درصد ریزش، حجم نمونه‌ای معادل با ۳۷۰ نفر جهت انجام تحقیق انتخاب شدند. از این بین با توجه به این که تعداد دانشجویان هشت برابر اساتید بود در نهایت ۳۴۲ دانشجو و ۴۳ استاد به عنوان نمونه‌های نهایی مطالعه انتخاب و وارد مطالعه شدند.

$$n = \frac{(1.96)^2 \times 0.21}{0.03} = 370$$

به هنگام عملیات میدانی، پرسش‌گران در دانشکده‌های مورد نظر مستقر و دانشجویانی که وارد دانشکده می‌شدند را به عنوان نمونه مطالعه محسوب و اطلاعات لازم را از آن‌ها کسب می‌کردند. در ارتباط با اعضای هیئت علمی (که در این مطالعه اساتید نامیده می‌شوند) نیز به همین ترتیب عمل شد.

در این مطالعه از پرسش‌نامه محقق ساخته برای سنجش نگرش دانشجویان و اساتید نسبت به مجازات اعدام استفاده گردید. پرسشنامه شامل دو بخش دموگرافیک و نگرش سنجی شامل ۵۴ سؤال بود که در جلسات گروهی تخصصی طراحی و برای دو متخصص دیگر نیز ارسال و نظرات تکمیلی آن‌ها نیز در ابزار اعمال شد. سپس برای تعیین اعتبار و روایی، ابزار مذکور در یک گروه ۳۰ نفره پایلوت و روایی آن محاسبه و آلفای کرونباخ برابر ۰/۸۲ به دست آمد. در انتها نیز با تعدیل، اصلاح و حذف برخی سئوال‌ات، پرسش‌نامه با ۳۸ سؤال نهایی گردید که از این بین ۷ سؤال دموگرافیک و ۳۲ سؤال دیگر مربوط به سنجش نگرش افراد می‌شد.

پس از کسب مجوزهای لازم از دانشگاه شهید بهشتی، پرسش‌گران آموزش دیده با مراجعه حضوری به دانشکده‌های هدف، رضایت نمونه‌های مطالعه را به دست آورده و نسبت به تکمیل پرسش‌نامه اقدام نمودند. پس از جمع‌آوری داده‌ها، اطلاعات کد گذاری و وارد رایانه شد و با نرم افزار آماری SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. برای توصیف اطلاعات از درصد فراوانی، ماکزیمم، مینیمم، انحراف استاندارد و میانگین و برای تحلیل اطلاعات نیز از آزمون خی دو استفاده شد.

یافته‌ها

در این پژوهش نگرش دانشجویان و اساتید دانشگاه شهید بهشتی نسبت به مجازات اعدام در ۳۸۵ نمونه بررسی و مقایسه شد که بر اساس یافته‌های حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها، نتایج زیر حاصل شد.

نتایج نشان داد که در مجموع ۲۳/۹ درصد دانشجویان و ۴۱/۹ درصد اساتید با لغو مجازات اعدام، برای تمامی جرایم موافقت و در مقابل ۶۷ درصد دانشجویان و ۴۶/۵ درصد اساتید مخالف لغو اعدام برای تمامی جرایم می‌باشند. مقایسه درصدها بین دو گروه دانشجویان و اساتید نیز نشان می‌دهد که اساتید بیش از دانشجویان با لغو مجازات اعدام موافقت، اما در مجموع بیش تر نمونه‌های مطالعه با این امر مخالف بودند (جدول ۱).

جدول ۱. مجازات اعدام باید برای تمامی جرایم لغو و جایگزین‌های دیگری در نظر گرفته شود

اساتید		دانشجویان		نمونه‌ها	نگرش
درصد	تعداد	درصد	تعداد		
۴۱/۹	۱۸	۲۳/۹	۸۲		موافقم
۱۱/۶	۵	۸/۲	۲۸		نظری ندارم
۴۶/۵	۲۰	۶۷	۲۲۹		مخالقم
۰	۰	۰/۹	۳		بدون پاسخ
۱۰۰	۴۳	۱۰۰	۳۴۲		جمع

یافته‌ها همچنین نشان داد که در نظر اساتید مهم‌ترین جرمی که استحقاق حکم اعدام را دارد، قاچاقچیان هستند که افراد را به منظور بهره‌کشی جنسی اغفال کرده و نوعاً در کشورهای دیگر آن‌ها را به فروش می‌رسانند (۶۷/۴ درصد). اما از نظر دانشجویان مهم‌ترین جرم، شرارت افراد شروری است که زنان و کودکان را ربوده و پس از تجاوز، آنان را به قتل می‌رسانند (۷۸/۹ درصد). یافته‌های جدول ۲ نشان می‌دهد که نمونه‌های مطالعه بیش‌تر موافق اعدام افرادی هستند که حقوق انسانی دیگران را تضییع کرده‌اند و غالباً افراد ناآگاه و مظلوم را به ورطهٔ هلاکت کشانده‌اند. در تمامی جرایم فوق‌میزان درصد موافقت با اعدام در اساتید کم‌تر از دانشجویان است. در برخی موارد این اختلاف نگرش بین اساتید و دانشجویان کم و در برخی دیگر بیش‌تر و معنی‌دار است. از موارد اخیر می‌توان به اختلاف معنی‌دار نگرش در مورد موافقت با اعدام افراد شرور و همجنس‌بازان زن اشاره کرد (جدول ۲).

جدول ۲. درصد موافقین حکم اعدام برای جرایم زیر

معنی داری	دانشجو	استاد	نوع جرم
۰/۳۶۴	۷۴/۳	۶۷/۴	قاچاقچیان انسان به منظور بهره کشی جنسی
۰/۸۸۸	۶۳/۲	۶۵/۱	قاچاقچیان مواد مخدر
۰/۰۳۰	۷۸/۹	۶۲/۸	افراد شرور نظیر خفاش شب و بیجه
۰/۱۲۷	۷۰/۵	۵۵/۸	قتل عمد
۰/۱۶۰	۶۱/۱	۴۶/۵	تجاوز به عنف
۰/۵۳۴	۴۹/۴	۴۴/۲	جاسوسی علیه وطن
۰/۹۲۶	۴۲/۷	۴۴/۲	سارقین مسلح
۰/۷۹۲	۴۴/۴	۳۹/۵	زنانی محصنه
۰/۵۲۹	۴۵/۹	۳۹/۵	آدم ربایان
۰/۸۰۶	۳۴/۸	۳۰/۲	مفسدین اقتصادی
۰/۱۰۲	۳۶/۸	۲۰/۹	همجنس بازان مرد
۰/۰۰۴	۳۴/۸	۱۱/۶	همجنس بازان زن
۰/۲۷۴	۲۷/۲	۲۰/۹	روسپیان
۰/۶۰۷	۱۸/۷	۱۴	شرب خمر

یافته‌ها همچنین بیان گر آن است که نیمی از اساتید (۴۸/۸ درصد) و اکثر دانشجویان (۶۹/۶ درصد) با حکم اعدام موافقت و درصد کمی از دانشجویان (۲۱/۲ درصد) و تقریباً یک سوم از اساتید (۳۲/۶ درصد) مخالف اجرای حکم اعدام هستند. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد در مجموع اکثر نمونه‌های مطالعه در هر دو گروه با مجازات اعدام موافقت اما به لحاظ اختلاف نظر در دو گروه مشاهده می‌شود که میزان نظرات با هم متفاوت بوده و این اختلاف از نظر آماری معنی دار است ($\alpha=0/005$). (جدول ۳)

جدول ۳. تفاوت نگرش دانشجویان و اساتید نسبت به مجازات اعدام

سطح معنی داری	درجه آزادی	انحراف استاندارد	استاد	دانشجو	
۰/۰۰۵	۳	۰/۰۵۶	۴۸/۸	۶۹/۶	موافق
			۳۲/۶	۲۱/۲	مخالف
			۱۶/۳	۸/۳	بی نظر
			۲/۳	۰/۹	بدون پاسخ

یافته‌ها در خصوص ارتباط بین جنس و نگرش دانشجویان و اساتید نشان داد که درصد موافقین با اجرای حکم اعدام در میان دختران دانشجو بسیار بیش تر از پسران دانشجو است و این اختلاف از نظر آماری معنی دار می‌باشد ($\alpha=0/001$). (جدول ۴)

جدول ۴. نظر دانشجویان در مورد اجرای حکم اعدام بر حسب جنس

سطح معنی داری	درجه آزادی	جمع		زن		مرد		
		درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۰/۰۰۱	۲	۷۲/۸	۲۴۴	۴۳/۳	۱۴۵	۲۹/۶	۹۹	موافق
		۱۸/۵	۶۲	۶/۳	۲۱	۱۲/۲	۴۱	مخالف
		۸/۷	۲۹	۴/۵	۱۵	۴/۲	۱۴	بی نظر
		۱۰۰	۳۳۵	۵۴	۱۸۱	۴۶	۱۵۴	جمع

یافته‌ها در مورد ارتباط بین جنس و نگرش اساتید، نشان داد که درصد موافقین با اجرای حکم اعدام در میان اساتید مرد بیش تر از اساتید زن است. البته این اختلاف معنی دار نبود ($\alpha=0/551$). در صورتی که این یافته‌ها در میان دانشجویان به لحاظ جنس دقیقاً عکس مورد اخیر بود. مقایسه دو گروه دانشجو و استاد نشان می‌دهد که درصد موافقین و مخالفین مردهای این دو گروه تقریباً یکسان است اما در میان زن‌ها این مورد مصداق نداشت به طوری که تقریباً نیمی از دانشجویان دختر با اجرای حکم اعدام موافق (۴۳/۳ درصد) و تنها ۱۶/۷ درصد اساتید زن موافق این حکم بودند.

همچنین یافته‌ها نشان داد که ۶۲/۲ درصد از دانشجویان و ۵۸/۱ درصد اساتید اذعان دارند که مجازات اعدام به دلیل ایجاد ترس، موجب پیشگیری از شیوع جنایات در جامعه می‌شود. تنها ۲۸/۱ درصد دانشجویان و ۳۲/۶ درصد اساتید مخالف این استدلال بودند (جدول ۵).

جدول ۵. مجازات اعدام به دلیل ایجاد ترس سبب پیشگیری از گسترش جنایت در جامعه می‌شود.

اساتید		دانشجویان		نگرش
درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۵۸/۱	۲۵	۶۲/۲	۲۱۳	موافقم
۹/۳	۴	۹/۱	۳۱	نظری ندارم
۳۲/۶	۱۴	۲۸/۱	۹۶	مخالفم
۰	۰	۰/۶	۲	بدون پاسخ
۱۰۰	۴۳	۱۰۰	۳۴۲	جمع

بحث و نتیجه‌گیری

مجازات اعدام از ضمانت‌های اجتماعی اجرایی است که از گذشته در تمام جوامع و تمدن‌ها وجود داشته و قربانیان بسیاری گرفته است. از قانون شش هزار ساله حمورابی گرفته تا قوانین جدید و معاصر شاهد اعمال این کیفر در برابر برخی از جرایم و افعال هستیم. با وجود این که امروزه این مجازات در بسیاری از کشورها به طور کامل لغو گردیده و بسیاری از اسناد و معاهدات بین المللی نیز اعمال آن را نقض حقوق بشر می‌پندارند، ولی هنوز هم دولت‌ها و کشورهایی هستند که به دلایل سیاسی، مذهبی، اجتماعی و... این مجازات را در قوانین خود حفظ و به اجرا می‌گذارند.

بررسی یافته‌های این مطالعه نشان داد که درصد بالایی از نمونه‌های پژوهش با مجازات اعدام موافقت و لغو آن را به طور کلی مردود می‌دانند. نسبت این نگرش در میان

دانشجویان بیش تر از اساتید گزارش شد اما با این حال درصد قابل توجهی از هر دو گروه با حذف کلی مجازات اعدام مخالف بودند. شاید در وهله اول تصور و انتظار این باشد که بیش تر مردم به خصوص اقشار تحصیلکرده و دانشگاهی با مجازات اعدام مخالف باشند و مجازات های جایگزین را پیشنهاد نمایند. اما نتایج این مطالعه نشان داد که بیش تر نمونه های مطالعه با مجازات اعدام موافقت و لغو آن را برای تمامی جرایم به خصوص جرایمی که توأم با خشونت و قتل باشد را به صلاح جامعه نمی دانند.

نتایج تحقیق مارلا سانیز و ادموند مک گارل (۱۹۹۵) نیز حاکی از این است که گرچه طرفداری عمومی از مجازات اعدام بسیار بالاست (۷۶ درصد)، اما چنین نتیجه گیری گمراه کننده است. به عبارت دیگر تنها ۹ درصد موافقین اعدام معتقد به این مجازات در هر شرایطی هستند. السورث و روز (۱۹۸۳) نیز دریافتند که تمایل اعمال مجازات اعدام برای قتل، با توجه به شدت جنایت تغییر می کند. آن ها به این نتیجه رسیدند که نگرش بسیار مثبتی برای اعدام افرادی که مرتکب قتل عام شده اند وجود دارد، اما نگرش ضعیف تری برای اعدام کسانی که در حین ارتکاب یک جرم دیگر نظیر سرقت، دست به قتل زده اند وجود دارد.

در این مطالعه مشاهده گردید هرگاه سئوالات در مورد عوامل آزار دهنده ای که مربوط به موقعیت های قتل بود، تمایل عمومی برای مجازات اعدام بیش تر بود. به طوری که بیش ترین میزان مربوط به افراد شروری بود که به زنان و کودکان تجاوز کرده و در نهایت آنان را به قتل می رساندند و یا قاچاقچیان انسانی که برای کسب ثروت های کلان، دختران بیگناه را شکار و اغفال کرده و آنان را به فروش می رسانند. این یافته ها با نتایج مطالعه ویلیامز، لانگ مایر و گولیک (۱۹۸۸) و هریس (۱۹۸۶) هماهنگ بود. به عقیده موافقان اعدام، مجازات اعدام در برخی از جرایم مثل قتل عمد، عادلانه ترین مجازات است، چراکه مجرم همان چیزی را از دست می دهد که قربانی خود را از آن محروم کرده است و در واقع کفاره گناهان خود را می دهد (صادقی، ۱۳۸۰). النس ورث و گروس (۱۹۹۴) نیز به

این نتیجه دست یافتند که مجازات اعدام در کشور امریکا با حمایت عمومی روبه روست، به طوری که تقریباً ۷۰ درصد از شهروندان این کشور از مجازات اعدام حمایت می‌کنند. مکتب عدالت مطلق با مجازات اعدام به صورت مطلق برخورد می‌کند و آن را در صورت لزوم اجتناب ناپذیر می‌داند. کانت، بنیانگذار این مکتب معتقد است: کیفر قانونی هرگز نمی‌تواند صرفاً به عنوان وسیله‌ای به منظور رسیدن به یک نفع چه در جهت منافع بزهکار و چه در جهت منافع جامعه، تحمیل گردد. کیفر قانونی تنها به این دلیل باید لحاظ شود که قاتل مرتکب تقصیر شده است (معتضدی، ۱۳۸۳). البته باید در نظر داشت که گرچه درصد بالایی از افراد با لغو مجازات اعدام به طور کلی مخالفند اما در عین حال این نگرش کاملاً بستگی به نوع جرم دارد. به این معنی که، به غیر از جرایمی که با خشونت و قتل همراه است، درصد کمی از نمونه‌های مطالعه با مجازات اعدام موافق بودند و در این موارد بیش‌تر با مجازات‌های جایگزین موافق بودند. به طوری که در این مطالعه، موافقت با مجازات اعدام در جرایمی مانند روسپی‌گری، همجنس‌بازی مردان و زنان، شرب خمر، زنا، محسنه و مفسدین اقتصادی پایین بود.

نتایج در خصوص تفاوت نگرش اساتید و دانشجویان نسبت به مجازات اعدام گویای آن است که موافقت با این مجازات در بین دانشجویان بیش‌تر است. می‌توان چنین استنباط کرد که میزان تحصیلات با نگرش افراد در این مورد همبستگی معکوس دارد، به طوری که با افزایش سطح تحصیلات، موافقت با مجازات اعدام کاهش می‌یابد. البته این تحلیل زمانی معتبر خواهد بود که تمامی گروه‌های سنی، جنسی، تحصیلی، شغلی و اجتماعی را پوشش دهد.

یافته‌های فوق صورت کلی موافقت و مخالفت با مجازات اعدام را نشان می‌دهد اما سئوالات دیگر پرسش‌نامه، زوایای دیگر این امر را روشن ساخت. به این معنی که، به جز یک مورد (سارقین مسلح) در تمامی موارد دانشجویان در مقایسه با اساتید خواهان مجازات و شدت عمل بیش‌تری با مجرمین بودند. نگرش دانشجویان و اساتید در موافقت با اجرای

حکم اعدام نسبت به جرایم: قاچاق مواد مخدر، جاسوسی علیه کشور، سرقت مسلحانه، زناى محسنه، آدم ربایی، شرب خمر و روسپیگری، بسیار نزدیک به هم بود. اما در ارتباط با جرایمی نظیر: افراد شرور مانند بیجه و خفاش شب، قتل عمد، همجنس بازی، تجاوز به عنف، بین ۱۰ تا ۲۰ درصد اختلاف مشاهده شد. اما اختلاف نگرش این دو گروه تنها در مورد افراد شرور نظیر بیجه و خفاش شب و همجنس بازان زن گزارش شد.

نتایج در خصوص ارتباط بین جنس و نگرش نمونه‌های مطالعه نسبت به مجازات اعدام نشان می‌دهد که دانشجویان دختر بیشتر از دانشجویان پسر با این مجازات موافق اند و اختلاف نگرش این دو گروه نیز معنی دار است. اما در گروه اساتید، اساتید مرد دو برابر اساتید زن با این مجازات موافق هستند که البته این اختلاف معنی دار نمی‌باشد. در تبیین این یافته می‌توان چنین استدلال نمود که، عدم امنیت اجتماعی و آسیب پذیر بودن دختران نسبت به پسران احتمالاً یکی از دلایل این اختلاف است. از طرف دیگر، شیوع بالای آدم ربایی، تجاوز و قتل دختران و زنان توسط افراد شرور نیز بر این اختلاف صحنه می‌گذارد.

اما در میان اساتید زن این یافته کاملاً عکس گروه دانشجویان دختر بود. علت این اختلاف را می‌توان چنین استدلال کرد که اولاً اساتید زن تقریباً دو برابر سن دانشجویان را داشتند و قاعدتاً نسبت به دانشجویان از حاشیه امنیت روانی و اجتماعی بیش تری، در برابر آسیب‌های اجتماعی موجود، برخوردار بودند. به علاوه با توجه به تاهل اکثریت اساتید و همچنین توان مالی بیشتر، طبعاً عوامل خطر^۱ اجتماعی کم تری نسبت به دانشجویان متوجه آنان می‌باشد. لذا مشاهده می‌شود که در این مطالعه موافقت با مجازات اعدام در میان اساتید زن بسیار کم تر از گروه دانشجویان و حتی اساتید مرد می‌باشد.

از این یافته چنین استنباط می‌شود که عموماً گروه‌های آسیب پذیر بیش تر خواهان حذف افرادی هستند که حقوق اجتماعی را نادیده گرفته و با ظلم و تعدی به حقوق افراد ضعیف تجاوز می‌کنند. این یافته با نتایج تحقیق توماس کیل و ویتو جنرو (۱۹۹۸)

1- risk factors

هماهنگ است. زیرا آنان نیز در تحقیقی در کنتاکی آمریکا به این نتیجه رسیدند که افراد غیرسفید پوست، زنان و گروه‌هایی از این دست بیش‌تر از مجازات اعدام حمایت می‌کنند. البته عوامل مختلفی چون نژاد، سن، تحصیلات و تجربه تعدی جرم‌های پرخاش‌گرانه، نقش بسیار مهمی در نگرش افراد نسبت به مجازات اعدام دارد.

بررسی نگرش نمونه‌های مطالعه در خصوص این که آیا ترس از مجازات اعدام می‌تواند در پیشگیری و کاهش جرم مؤثر باشد، نشان داد که ۶۲/۲ درصد از دانشجویان و ۵۸/۱ درصد از اساتید با این سؤال موافق بودند. در رابطه با این یافته، پرسشی که به ذهن متبادر می‌شود این است که آیا مجازات اعدام عاملی بازدارنده برای سایر افراد شرور است یا خیر؟ متخصصان انجمن جرم‌شناسی آمریکا^۱ بر این باورند که مجازات اعدام یک عامل بازدارنده است (لهر، ۱۹۹۳). نتایج مطالعه حاضر نیز نشان می‌دهد که مجازات اعدام به دلیل ترسی که ایجاد می‌کند تا حدود بسیاری موجب پیشگیری از شیوع جنایت در جامعه خواهد شد.

موافقان مجازات اعدام یکی از اهداف این مجازات را، ایجاد ترس در مجرم و سایر مردم از ارتکاب جرم در آینده می‌دانند. به نظر آن‌ها، حیات مهم‌ترین دارایی شخص و بنابراین ترس از مرگ نیز بالاترین ترس‌هاست. به این ترتیب باید مجازات اعدام را در جهت ایجاد رعب و ترس در دل مرتکبان بالقوه جرایم سنگین ایجاد و حفظ کرد (صادقی، ۱۳۸۲). این گروه همچنین استدلال می‌کنند که به همین دلیل مجازات اعدام در برخی کشورها موجب کاهش تعداد جرایم ارتكابی در آن کشورها شده است.

اما مخالفان اعدام بر این باورند که اثر ترس زایی مجازات‌های نسبتاً سبکی که بدون استثناء و با سرعت و به طور مستمر اعمال گردد، بسیار بیش‌تر از مجازات زودگذر و سنگینی است که احتمال اجرای آن کم است. به گفته سزار بکاریا: سختی کیفر نیست که اثر عمیقی بر روح انسان می‌گذارد، بلکه طول مدت آن است، زیرا قوای حسی، از تأثیرات

1- American Society of Criminology

ضعیف ولی پیاپی، آسان تر و پایدارتر از برخورد خشن ولی زودگذر، متأثر می شود. موافقان اعدام برای اثبات ترس‌زا بودن و لزوم انجام اعدام، استدلال می‌کنند در کشورهای که مجازات اعدام لغو شده است، نرخ جرایم نیز افزایش یافته است. یعنی با لغو مجازات اعدام، یک عامل مهم بازدارنده از بین می‌رود و افراد بدون ترس، اقدام به اعمال مجرمانه می‌کنند. ولی از نظر مخالفین اعدام، لغو این مجازات بر خلاف آنچه که موافقین اظهار می‌دارند، باعث می‌شود که مجرمین بیش‌تری به سزای اعمال خود برسند.

به هر تقدیر در این مطالعه نمونه‌های پژوهش معتقد بودند که اثر ترس زایی مجازات اعدام می‌توند در پیشگیری و کاهش جرم مؤثر باشد. اما تأیید این یافته‌ها مستلزم مطالعات بیش‌تر و گسترده‌تری است. در پایان اذعان می‌دارد که هم خوانی درونی که در مطالعه حاضر از آن بعنوان پایایی استفاده شد به تنهایی کافی نبوده و پیشنهاد می‌گردد که در پژوهش‌های آتی از روش‌های تکمیلی دیگر نظیر ثبات زمانی نیز جهت تقویت پایایی این ابزار استفاده شود.

- باقی، عماد الدین. (۱۳۸۳)، حقوق بشر، اعدام و قصاص، نشریه وقایع اتفاقیه
- جانی پور، کرم. (۱۳۷۸)، مجازات اعدام در حقوق کیفری ایران و فقه امامیه، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق، دانشکده معارف اسلامی و حقوق دانشگاه امام صادق
- جعفری، فریدون. (۱۳۸۱)، تحلیل مجازات اعدام در جرائم مستوجب تعزیر و مجازات‌های بازدارنده، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران
- سیمونز، استفان. (۱۳۷۷)، اعدام و حکومت‌های دیکتاتوری، ترجمه ا. هدایتی، نشریه ترجمان سیاسی، سال چهارم، شماره چهاردهم
- معتضدی، مجید. (۱۳۸۳)، جایگاه اعدام در مکاتب جرم‌شناسی، نشریه رسالت، ۱۳۸۳/۳/۲۳
- مقتدر نژاد، محمد. (۱۳۵۷)، مجازات اعدام در محاکم عمومی ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه ملی ایران
- میرمحمد صادقی، حسین. (۱۳۸۰)، بررسی وضعیت مجازات اعدام در حقوق بین الملل، نشریه اصلاح و تربیت، سال هفتم، شماره ۷۸
- Harris, A. (1986), **Capital Punishment**.
http://www.hendersonchurchofchrist
- Brownlee, S, McGraw, D. (1997). The plsce for vegence: many grieving families seek comfort and closure in the execution of a murderer. Do they find it? U. S. **News and Word Report** 122. 24-28.
- Ellensworth, P. C. ,& Gross Samuel R. (1994). Hardening of attitudes: Americans view on the death penalty. **Journal of Social Issues** 50(2). 19-52.
- Lehr, D. (1993) **Death penalty foes seek a new debate**, see stronger case. Boston Globe. 1.
- Vito, F. , & Keill, J. Fear of crime and attitudes toward capital punishment: a structural equations model. Justice quarterly. Publisher: Routledge, **part of the taylor & Francis Group**. Issue: Volume 8, Number 4, December 1991.
- Marla, Sansys. Edmund, F. Mgarrell. (1995). Attitudes Toward Capital punishment preference for the penalty or Mere Acceptance? **Journal of Research in Crime and Delinquency**, Vol. 32, no. 2, 191-213.
- Ellsworth, P. & Ross, L. (1983). Public opinion and Capital punishment Close Examination of the views of Abolitionists and Retentionists. **Crime & Delinquency**, Vol. 29, no. 1, 116-169.